

توسط خمینی صادر شده است. وی دو هفته بعد در حالی که اعدامها هم چنان ادامه دارد، در نامه دیگری خطاب به قاضی شرع و دادستان تهران ضمن بی ثمر خواندن اعدامها تأکید می کند که «مجاهدین خلق یک منخ فکر و برداشت هستند، یک نحو منطق است و منطق غلط را با منطق صحیح باید جواب داد باکشتن حل نمی شود بلکه ترویج می شود».

این نامه ها به خودی خود گویاست و نیازی به هیچ گونه تفسیری ندارند. این سطور نه فقط شقاوت جلادان، بلکه ابعاد مقاومت و پاکبازی قهرمانان در زنجیر و حمایت گسترده اجتماعی از مجاهدین را هم منعکس می کند. البته این اعتراضها چیزی نبود که خمینی بر کسی، حتی اگر منتظری باشد، بیخشاید. به همین خاطر چند ماه بعد خمینی به یک جراحی بزرگ سیاسی دست زد و او را از جانشینی خود عزل کرد و به این ترتیب خمینی خود شخصاً به بی آینده بودن حکومتش گواهی داد.

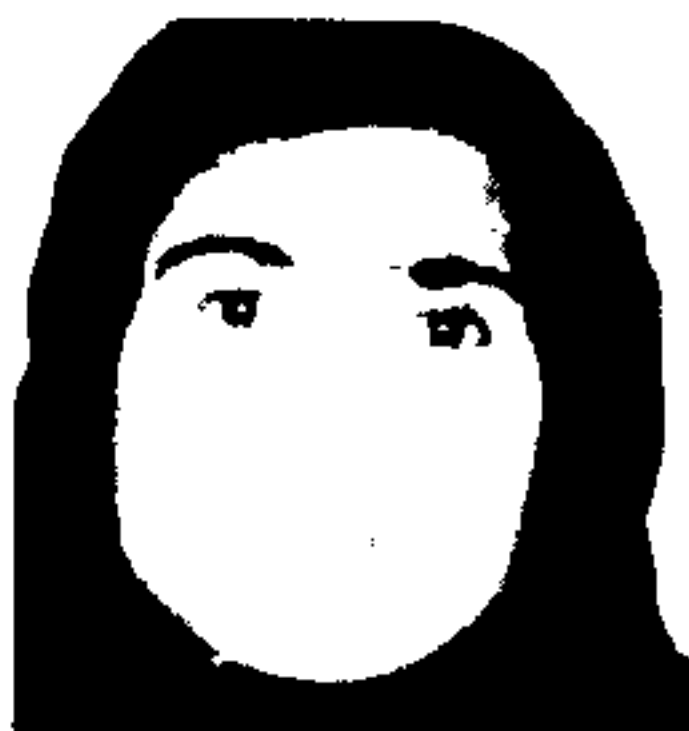
در این عکس که در سال ۶۷، پس از کشف یک گور جمعی در حوالی تهران گرفته شده، چهره یکی از شهیدان و پای یک شهید دیگر دیده می‌شود. به دنبال انتشار این عکس در نشریه مجاهد شماره ۴۰۲، خانواده این شهید چهره فرزند خود مجاهد شهید یوسف هیدی را شناسایی نموده و مشخصات او را برای نشریه مجاهد ارسال کردند.



شهید یوسف هیدی، کارگر مجاهد خلق، در سال ۱۳۶۰ در مسجد سلیمان دستگیر شد. رژیم از آغاز اعلام کرد که یوسف هیدی طی درگیری با پاسداران به شهادت رسیده و هیچ نام و نشانی از محل دفن او به خانواده اش نداد. خانواده هیدی تا پیش از انتشار این عکس در نشریه مجاهد از سرنوشت فرزندشان بی‌خبر بودند. با شناسایی این عکس از سوی خانواده هیدی مشخص شد که جلادان خمینی، یوسف را به مدت ۷ سال در سیاهچالهای خود نگهداشته بودند. یوسف هیدی به دلیل مقاومت قهرمانانه اش در مقابل درّخیمان در شمار کسانی بود که بر اساس طرح رژیم برای قتل عام زندانیان سیاسی، به عنوان «زندانی خطرناک» از زندانهای شهرستانها به اوین و گوهردشت منتقل شده بود.



[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



که کوهی است  
آرمیده در  
گوشه‌ای ...  
مجاهد شهید پرویز  
سلیمی با تصویری از  
سنگ مزارش



مزار مجاهد شهید  
سکینه دلفی دریکی  
از گورهای جمعی  
زندانیان سیاسی در  
اهواز



[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



اعترافات

سردمداران رژیم

به قتل عام و حشیانه

زندانیان سیاسی

www.KetabFarsi.com



## اعتراف سردمداران رژیم به قتل عام وحشیانه زندانیان سیاسی

خامنه‌ای:

"اعدام می‌کنیم و با این مسئله شوخی نمی‌کنیم"

خامنه‌ای در جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه تهران، در پاسخ به سؤال مکتوب دانشجویان گفت: «اما اعدامیها، اعدامهای دستجمعی در ایران... رادیو متفق هم همین را می‌گوید. مگر ما مجازات اعدام را لغو کردیم؟ نه! ما در جمهوری اسلامی مجازات اعدام را داریم برای کسانی که مستحق اعدامند... این آدمی که توی زندان، از داخل زندان با حرکات منافقین که حمله مسلحانه کردند به داخل مرزهای جمهوری اسلامی... ارتباط دارد، او را به نظر شما باید برایش نقل و نبات ببرند؟ اگر ارتباطشان با آن دستگاه مشخص شده، باید چکارش کرد؟ او محکوم به اعدام است و اعدامش هم می‌کنیم. با این مسئله شوخی که نمی‌کنیم».

سؤال و جواب دیگر: «علت بی‌توجهی کامل جمهوری اسلامی به مسائل حقوق بشر و اجازه ندادن به کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل برای بررسی این مسئله چیست؟ و علت اعدامهای مشکوک در ایران، آیا اعدامهای قبلی، تاکنون توانسته که دردی را دوا بکند؟» خامنه‌ای: «این لحن سؤال، لحن همین سؤال رادیوهای بیگانه و بعضی از محافل بیگانه است. آن که می‌نویسد علت بی‌توجهی کامل به مسائل حقوق بشر چیست، ما این را قبول نداریم، قبول نداریم ما، به هیچوجه».

خامنه‌ای سپس گفت: «آنهایی که علیه ما در دنیا راجع به حقوق بشر حرف می‌زنند، آنها دلشان می‌خواهد منافقین و دشمنان نظام و کسانی که قصد براندازی این



نظام را دارند، هر کاری می‌خواهند بکنند: نظام در مقابل اینها هیچ عکس‌العملی نشان ندهد... نمی‌شود، این برخلاف مصالح مردم است، برخلاف مصالح انقلاب است... ما اجازه نمی‌دهیم که این نماینده‌ی حقوق بشر بیاید...»

رادیو رژیم - ۱۵ آذر ۶۷

### رفسنجانی:

«بنا داشتند در کشور یک کار تخریبی وسیع را انجام بدهند، مجازات شدند»  
«افرادی هستند که خیانت می‌کنند، مستحق مجازاتند خوب مجازات اعدام می‌شوند. مثلاً همین جریان اخیر عملیات مرصاد که اتفاق افتاد، مسئولین، با اسیرانی که از آنها گرفتند، درآوردند... روشن شد که کسانی بودند در داخل کشور که معترف بودند با این جنایتی که مشترکاً عراق و منافقین بعد از اعلام آتش بس انجام دادند... بنا داشتند در کشور یک کار تخریبی وسیع را انجام بدهند، خوب آنها مجازات شدند.»

رادیو رژیم - ۱۶ آذر ۶۷

### آخوند انصاری (رئیس دفتر خمینی):

«در زندان تشکیلات داشتند، پس از عملیات مرصاد اعدام شدند»  
«عده‌ای از زندانیان در زندان تشکیلات داشتند که پس از عملیات مرصاد کشف شد. لذا اینان که تعداد بسیار کمی (۱) بودند پس از عملیات اعدام شدند»

روزنامه کیهان - ۲۸ اردیبهشت ۶۸

### قاضی القضاة خمینی، موسوی اردبیلی:

«باید از دم اعدام بشوند»

«قوه قضاییه در فشار بسیار سخت است... که چرا اینها اعدام نمی‌شوند باید از دم اعدام بشوند. دیگر از محاکمه و آوردن و بردن پرونده محکومین خبری نخواهد بود.»

رادیو رژیم - ۱۵ مرداد ۶۷

### محتشمی وزیر کشور وقت رژیم:

«تمام کسانی که دستگیر شده‌اند و یا کسانی که به آنها پیوستند، اعدام شده‌اند»  
«جرائمی وجود دارد که مستحق اعدام می‌باشد و طبق قانون، هر گروهی که سلاح بردارد و آدم بکشد مستحق اعدام است و در نتیجه طبیعی است که مجاهدین مجازاتشان

اعدام باشد و تمام شایعاتی که درست شده مربوط به کسانی است که در عملیات مرصاد اعدام شده اند».

محتشمی در ادامه گفت: «برای فیصله دادن به این مسئله باید بگویم که تمام کسانی که دستگیر شده اند یا کسانی که به آنها پیوستند اعدام شده اند».

در مصاحبه با هفته نامه لبنانی المستقبل - ۶ اسفند ۶۷

" همه شان را به قتل رساندیم "

دولت ایران رسماً و تقریباً با غرور و تکبر اعلام می کند که کلیه ی زندانیان سیاسی که در زندانهای کشور بودند، اعدام شده اند. تأییدیه ی تنفرآمیز وزیر کشور تهران، طی مصاحبه یی با یک روزنامه ی لبنانی انجام شده است.

"همه شان را به قتل رساندیم". خبر متأثرکننده از طرف یک منبع غیرقابل تردید، وزیر کشور رژیم ایران، علی اکبر محتشمی درباره ی زندانیان سیاسی در زندانهای ایران می باشد. مقام بالای دولت در تهران با خونسردی در یک مصاحبه با مجله ی لبنانی المستقبل اعلام کرد، «برای این که یک بار برای همیشه ترتیب این کار (اپوزیسیون سیاسی داخلی) داده شود، تمامی کسانی که دستگیر شدند و کسانی که به آنها پیوستند، اعدام شده اند». آنها علیه مردم اعلان جنگ کرده بودند».

در یک هذیان گویی بنیادگرایانه، این وزیر افزود: «کشتند و کشته شدند. هر کسی که از اسلحه برای کشتار استفاده کند سزاوار اعدام است. طبیعی است که مجاهدینی که این اعمال جنایتکارانه را انجام داده اند، اعدام شوند».

اونیتا - ۹ اسفند ۶۷

" تمام مخالفین در زندانهای ایران اعدام شده اند "

"روز دوشنبه به نقل از علی اکبر محتشمی وزیر کشور رژیم ایران گفته شد که

" تمام مخالفین در زندانهای ایران اعدام شده اند ". محتشمی به مجله ی عربی زبان المستقبل چاپ پاریس گفت: «برای این که این مسئله برای همیشه روشن شود، تمام آن کسانی که دستگیر شده بودند و آنهایی که به آنان پیوسته بودند، تماماً اعدام شده اند».

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس در مصاحبه با تلویزیون فرانسه در اوایل این ماه اعدام مخالفین را در ایران تصدیق کرده بود».

خبرگزاری رویتر - ۸ اسفند ۱۳۶۷

وزیر کشور رژیم ایران تأیید کرد که، تمام کسانی که دستگیر شدند و همه کسانی که به آنها پیوستند اعدام شدند

شکایات مخالفان رژیم ایران به سازمان ملل متحد، توسط وزیر کشور رژیم خمینی تأیید می شود. خمینی در عرض ۶ ماه ۱۲۰۰۰ زندانی سیاسی را اعدام کرده است. در یک مصاحبه با هفته نامه عربی المستقبل، علی اکبر محتشمی، وزیر کشور رژیم ایران، این مطلب را تأیید کرد. چیزی که پیش از یک تردید بود. وزیر کشور رژیم ایران تأیید کرد که، برای این که یک بار برای همیشه ترتیب این کار داده شود، تمام کسانی که دستگیر شدند و همه کسانی که به آنها پیوستند اعدام شدند. محتشمی در خاتمه گفت هر کس که علیه مردم اعلان جنگ کند و کشتار راه بیندازد، شایسته کشته شدن است.

مجاهدین خلق اظهار داشتند که از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار اعزام یک هیأت بین المللی برای بررسی وضعیت زندانیان در زندانهای رژیم ایران شده اند. مخالفان تأکید کردند که خیلی روشن است که رژیم خمینی فقط یک پیام دارد؛ سرکوب، تفتیش عقاید، تروریسم و تنفر کور نسبت به تمدن و انسانیت. از نظر مجاهدین، دولت تهران متعلق به جامعه بین المللی نیست. تنها جواب منطقی، که از تمام دنیا انتظار می رود، قاطعیت با قطع روابط دیپلماتیک و تحریم تسلیحاتی و نفتی است. در اطلاعیه مجاهدین تأکید می شود که «موج اعدامهای سیاسی در ایران بدون وقفه ادامه دارد».

ایل ژورنال (ایتالیا) - ۹ اسفند ۶۷

### ولایتی وزیر خارجه وقت رژیم:

زندانیانی که در این ماههای اخیر اعدام شده اند مجاهدین خلق بوده اند «در این کشور کسانی که (اقدام به مبارزه ی مسلحانه می کنند) باید کشته شوند و این قانون است... زندانیانی که در این ماههای اخیر اعدام شده اند مجاهدین خلق بوده اند که سعی داشتند به داخل خاک ایران پیشروی کنند. سایر اعدام شدگان نیز به قتل شخصیتهای سیاسی اعتراف کرده بودند».

روزنامه فرانسوی لوپوئن - ۱۷ بهمن ۶۷

### لاریجانی معاون وزیر خارجه وقت رژیم:

«هزار نفر دو هزار نفر چیز زیادی نیست»

تلویزیون بی.بی.سی، کانال ۲، برنامه بی پیرامون موج اعدام زندانیان سیاسی پخش نمود. در این برنامه که عنوان آن «در داخل ایران آیت الله» بود، گزارشگر تلویزیون بی.بی.سی از تهران گفت: «مخالفان رژیم می گویند که در رأس مبارزه رژیم علیه

قاچاقچیان مواد مخدر، یک قضیه سراسری علیه مجاهدین وجود دارد. مجاهدین تنها اپوزیسیون سازماندهی شده و مسلحانه علیه رژیم هستند. از زمان آتش بس تعداد اعدامها در ایران به طور ثابت رو به فزونی بوده است. دولت ادعا می کند که آنها یا قاچاقچی محکوم شده مواد مخدر یا مجاهدین دستگیر شده بوده اند. منابع اپوزیسیون در خارج از ایران از ۱۱۰۰ کشتار سیاسی صحبت می کنند. عفو بین الملل لیست اسامی ۱۰۰۰ تن را منتشر کرده است. [اما] دولت ایران هیچ رقمی را گزارش نکرده است.

در این قسمت برنامه تلویزیون بی.بی.سی بخشهایی از مصاحبه گزارشگر خود را با لاریجانی، معاون وزیر امور خارجه خمینی، در تهران پخش نمود. لاریجانی در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید: «چند اعدام از این نوع از زمان آتش بس وجود داشته است؟» گفت: «من دقیقاً نمی دانم. فکر نمی کنم تعداد زیادی باشد... هزار نفر دو هزار نفر چیز زیادی نیست. ما دو میلیون افغانی و بیش از نیم میلیون عراقی را غذا می دهیم...!»

گزارشگر تلویزیون دوباره از لاریجانی پرسید: «آیا شما می خواهید بگویید که از زمان آتش بس هیچ گونه اعدام سیاسی در ایران انجام نگرفته است؟»

معاون وزیر امور خارجه خمینی، که آشکارا در مخمصه افتاده بود، گفت: «من نمی توانم آن را بگویم. چون ما افرادی را در زندان داشتیم که متهم به فعالیت مسلحانه علیه کشور بوده اند. آنها در انتظار بوده اند و هنوز هم هستند تا به درستی محاکمه شوند و ممکن است که مجازاتشان اعدام باشد.»

کانال ۲ تلویزیون بی.بی.سی - سی - ۲۴ بهمن ۶۷

### ابلاغ دستور قتل عام توسط خمینی به موسوی خویننی ها

«امام خمینی، دادستان انقلاب، حجت الاسلام خویننی ها، را احضار کرد تا به وی ابلاغ کند که از این پس تمام مجاهدین، که در زندانها یا جاهای دیگر هستند، باید به مثابه محارب با خدا محسوب گردیده و در نتیجه کشته شوند...»

روزنامه فرانسوی لوموند، در روز ۱۱ اسفند ۶۷

### اظهارات وقیحانه آخوند کروی در باره قتل عام زندانیان سیاسی

آخوند مهدی کروی، دبیر "مجمع روحانیون مبارز" در پاسخ به احمد منتظری: «احمد عزیز! شما در مصاحبه خود در مورد منافقان زندانی که بر سر موضع خود ماندند

و به سزای اعمالشان رسیدند جمله ای به کار بردید که شگفت انگیز است. منافقان محاربی که در آن دوران هر روز در کوی و برزن، نماز جمعه ها و یا اماکن مهم دولتی آن ترورها، بمبگذاریها و جنایتها را انجام دادند و بسیاری از مردم انقلابی و در صحنه و یا مسئولان مملکتی را به شهادت رساندند تا آنجا که هنوز داغ ایشان و فقدان وجودشان کاملاً محسوس است و با این که به ایشان این امکان داده شد که توبه کنند و به آغوش ملت و نظام اسلامی بازگردند تا در جرایم آنها تخفیف نیز داده شود، می بینیم که عده ای از ایشان بر مواضع باطل خود پافشاری می کنند و قبل از پیروزی سپاهیان اسلام در عملیات مرصاد در درون زندان آشوب به راه می اندازند و آن دسته از زندانیان که به نظام اسلامی اظهار وفاداری کرده اند را کتک می زنند. وقتی با این افراد برخورد می شود شما از آن به عنوان "خون به ناحق ریخته شده" یاد می کنید!

روزنامه جمهوری - ۱۳ مرداد ۷۸



اسامی تعدادی

از دست اندرکاران

و شکنجه‌گران

در جریان قتل عام



### تذکر ضروری؛

لاجوردی، سردرّخیم پلید اوین، بارها گفته بود:  
«تصور نکنید روزی سازمان خواهد آمد و در سلولها را به روی  
شما باز خواهد کرد. قبل از چنین اتفاقی همگی شماها مرده اید.  
برای هر سلولی چند نارنجک در نظر گرفته ایم.»  
قبل از ذکر اسامی شماری از دست اندرکاران و شکنجه گران و  
عاملان اعدامها در جریان قتل عام ضرورتاً بایستی اشاره کنیم که  
اسامی حاضر تنها بخش کوچکی از دست اندرکاران و حاضران  
رویت شده در صحنه ها توسط شماری از زندانیان باقیمانده است.

## اسامی تعدادی از دست‌اندرکاران

### و شکنجه‌گران در جریان قتل عام

#### مسئولان و آمران اصلی قتل عام زندانیان در اوین و گوهر دشت

- ۱- آخوندجعفر نبوی: رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی تهران و رئیس هیئت کمیسیون مرگ
- ۲- مرتضی اشراقی: دادستان ضدانقلاب تهران، از اعضای اصلی کمیسیون مرگ
- ۳- آخوند ابراهیم رئیسی: معاون دادستان تهران و از اعضای اصلی کمیسیون مرگ
- ۴- آخوند اسماعیل شوشتری: رئیس سازمان زندانها و از اعضای اصلی کمیسیون مرگ  
وی به طور مستقیم در تصمیم‌گیری اعدام زندانیان نقش داشت و به پاس این خدمات، رفسنجانی وی را وزیر دادگستری کابینه خود در سال ۶۸ نمود و هم‌اکنون نیز با همین سمت در کابینه خاتمی می‌باشد.
- ۵- آخوند محمد ریشه‌ری: وزیر اطلاعات و از مسئولان و آمران اصلی قتل عام
- ۶- حسن حبیبی: وزیر دادگستری و از مسئولان و آمران اصلی قتل عام
- ۷- محمد موسوی خوئینیها: دادستان انقلاب کل کشور، یکی از بالاترین آمران قتل عام، خمینی جلاد حکم قتل عام زندانیان سیاسی را به همین شخص ابلاغ کرده بود. وی مدیر روزنامه سلام می‌باشد.
- ۸- عباس عبدی: معاون دادستان انقلاب کل کشور، سخنگوی دانشجویان «خط امام» در جریان گروگانگیری دیپلماتهای آمریکایی در تهران. وی از سال ۶۹ سردبیر روزنامه



سلام و در سال ۷۰ سردبیر هفته نامه بهار شد.

۹- موسی واعظی: از مسئولان وزارت اطلاعات در زندان اوین - با نام مستعار زمانی (حاجی زمانی)، از فعالترین عناصر در قتل عام زندانیان در سال ۶۷ بود. وی از مقامات بالای وزارت اطلاعات می باشد و از سال ۶۸ به بعد با حفظ سمت در وزارت اطلاعات رئیس اوین شد.

۱۰- آخوند سیدحسین مررضوی: رئیس زندان اوین - از عوامل اصلی در سرکوب شکنجه و اعدام زندانیان تا بعد از قتل عامها، وی کاندیدای نمایندگی مجلس از زنجان بود.

۱۱- شیخ محمد منیثه ای: رئیس زندان گوهردشت - وی با نام مستعار ناصریان در ابتدا بازجوی سابق شعبه ۳ اوین بود. از سال ۶۴ دادیار قزلحصار و سپس گوهردشت شد. سال ۶۶ رئیس زندان گوهردشت بود. وی فعالترین عنصر در قتل عامهای گوهردشت در سال ۶۷ بود. از سال ۶۹ بازپرس در دادستانی انقلاب اسلامی (واقع در خیابان معلم) بوده است.

۱۲- مبشری: از حکام شرع اصلی و قدیمی اوین. در زمان قتل عامها در بعضی از دادگاهها که بنا به دلایلی نیری نمی توانست شرکت کند به جای او شرکت می کرد.

۱۳- احمد پورمحمدی: از مسئولان اصلی و مهم وزارت اطلاعات رژیم - وی از مسئولان اصلی هیأت مرگ بود. پورمحمدی سابقه طولانی در سرکوب و شکنجه زندانیان سیاسی داشته و از قساوت زیادی برخوردار است.

۱۴- محمد شریف زاده: معروف به محمدی، مسئول حفاظت دادستانی و مسئول تیم ضربت در بند ۲۰۹ زندان اوین - وی مدیرکل معاونت امنیت داخلی وزارت اطلاعات کابینه خاتمی، یکی از جانی ترین عناصر رژیم آخوندی است که در قتل عامهای سال ۶۷ مستقیماً شرکت داشت.

۱۵- مجتبی حلوائی: معاونت انتظامی اوین - از نفرات اصلی اجراکننده اعدامها بود وی از پاسداران و شکنجه گران قدیمی اوین می باشد که در کنار لاجوردی جنایات بسیاری علیه زندانیان مرتکب شده است. حلوائی سپس مسئول انتظامی و امنیتی زندان شد و در جریان قتل عامها نقش اصلی را در انتخاب زندانیان برای بردن به دادگاه و اعدام داشت.

۱۶- محمد توانا: سربازجوی وزارت اطلاعات - از زمانی که به کمیته مشترک رفت نامش به «۳۴» تغییر کرد.

۱۷- فاتحی: مسئول اطلاعات کرج - سر شکنجه گر کرج مستقر در زندان گوهردشت عضو هیأت قتل عام برای متهمین دادستانی کرج که نقش فعالی در قتل عام زندانیان محکوم کرج داشت.

۱۸- نادری: دادستان وقت کرج. امضاکننده حکم اعدام کرجیها در قتل عام زندانیان گوهردشت

۱۹- مرتضی صالحی: با نام مستعار صبحی از سال ۶۱ تا ۶۴ رئیس زندان گوهردشت بود. مبتکر انواع شکنجه های ضد انسانی که اغلب منجر به مرگ و یا دیوانگی زندانی می شد. از عوامل اصلی تجاوز به زندانیان زن در گوهردشت بود. صبحی مدتی برکنار شد ولی در سال ۶۸ دوباره به ریاست زندان گوهردشت رسید. وی از نزدیکان لاجوردی می باشد.

۲۰- پیشوا (نام مستعار): سربازجوی شعبه یک اوین - از عوامل اصلی شکنجه، اعدام و تجاوز به زندانیان است. پیشوا در ابتدا سربازجوی شعبه یک اوین بود. اما از سال ۶۸ رئیس زندان اوین شد. او یکی از کثیف ترین بازجویانی است که دارای پرونده های متعدد غیر اخلاقی می باشد. پیشوا از نزدیکان لاجوردی بود.

۲۱- فکور: از بازجویان اصلی شعبه ۷ اوین. در سال ۶۴ مدتی رئیس زندان اوین بود. فکور از عوامل اصلی شکنجه و اعدام و تجاوز به زندانیان می باشد.

۲۲- فروتن: از مسئولان زندان اوین و گوهردشت - در سالهای ۶۴ و ۶۵ مدتی رئیس زندانهای اوین و گوهردشت بود.

۲۳- میثم: از مسئولان زندان اوین - وی مدتی مسئول زندان عادل آباد شیراز بود. از سال ۶۳ تا ۶۵ مسئول زندان قزلحصار شد، در اواخر سال ۶۵ به ریاست زندان اوین رسید. وی از عوامل سرکوب و شکنجه در تهران و شیراز بوده است.

۲۴- اسلامی: سربازجو شعبه ۷ اوین - از شکنجه گران اصلی اوین، مسئول شکنجه، کشتار و تجاوز به زندانیان بود. زندانیان زیادی را در زیر شکنجه به قتل رسانده است.

۲۵- راوندی: از حکام شرع دادگاههای اوین - وی از عناصر اصلی در دادن احکام اعدام و شکنجه زندانیان بود.

۲۶- حسین زاده: مدیر داخلی زندان اوین - وی از عناصر مرتجع در زمان شاه و از همان سالها جزو دارودسته لاجوردی بود. از سال ۶۰ مدیر داخلی زندان شد و از عناصر فعال در جریان قتل عامها در اوین بود.

۲۷- سید مجیدضیایی: دادیار زندان اوین - از بازجویان قدیمی اوین و از عاملین شکنجه

و اعدام و تجاوز می باشد. او در زمان قتل عامها دادیار زندان بود و بعد از قتل عام دوباره بازجو شد. سید مجید مسئول بازجویی از کسانی است که در ارتباط با سازمان دستگیر می شوند. هم چنین مدیریت ساختمان دادستانی در قسمت آسایشگاه اوین را داشت. وی بازجوی مجاهد شهید مهرداد کلانی، هنگامی که به خاطر دیدار با گالیندوپل دستگیر شد، بوده است. مهرداد در نامه اش به کاپیتورن به او اشاره کرده است.

۲۸- جوهری فرد: از مسئولان زندان - با نام مستعار مهدوی. او تا آخر سال ۶۴ ریاست زندانهای دادستانی در تهران را به عهده داشت وی از تجار بازار می باشد و از نزدیکان لاجوردی می باشد. از سال ۶۸ رئیس زندان قصر بود.

۲۹- محمد خاموشی: از مسئولان سرکوب و شکنجه. وی در گذشته مسئول واحد یک زندان قزل حصار و معاون زندان بود. در همان زمان مسئولیت «قبر»های قزلحصار را به عهده داشت. افراد زیادی در آن جا به ناراحتیهای روانی دچار شدند. وی بعد از مسئولان گمرک مهر آباد شد.

۳۰- مجید قدوسی: از مسئولان سرکوب و شکنجه. از پاسداران قدیمی اوین و از عوامل شکنجه و اعدام و تجاوز به زندانیان می باشد. وی از سال ۶۳ تا ۶۵ مسئول آموزشگاه اوین بود و سپس حکم دادیاری گرفت. مجید قدوسی مدتی مسئول گرفتن مصاحبه از زندانیان بود. او در سال ۶۸ مسئولیت استادیوم آزادی را بعد از شورش مردم در این استادیوم به عهده گرفت.

### اسامی برخی پاسداران و شکنجه گران و دست اندر کاران قتل عام در اوین

۳۱- قاسم کبیری: معاون رئیس زندان اوین - وی از پاسداران قدیمی اوین، مدتی معاونت آموزشگاه و مدتی نیز در بند ۳۲۵ قدیم مشغول به کار بود. در سال ۶۷ وی معاون رئیس زندان اوین بود. قاسم کبیری از جمله در سال ۷۱ یک زندانی عادی را زیر ضربات مشت و لگد خود کشت.

۳۲- ابراهیمی: رئیس کارگاه اوین

۳۳- حاج مهدی: مسئول آموزشگاه اوین - وی از مسئولان سرکوب و ضرب و شتم زندانیان بود. وی از سال ۶۰ نقش مستقیمی در سرکوب و شکنجه زندانیان داشت. حاج مهدی همچنین در مراسم حج سال ۶۶ که منجر به کشته شدن صدها نفر در مکه شد

- نقش مستقیمی داشت و از عناصر تحریک کننده به وجود آمدن آن فاجعه بود.
- ۳۴- حمید کریمی: از پاسداران قدیمی اوین، مدتی در آنجا بازجویان را در شکنجه زندانیان یاری می کرد. در سال ۶۱ معاونت آموزشگاه اوین را عهده داشت. در سال ۶۸ مسئول ورزش در اوین شد و با حفظ سمت مسئول استادیوم امجدیه نیز بود.
- ۳۵- قاسمی: معاون آموزشگاه در زندان اوین - وی معروف به مهندس بود.
- ۳۶- محمد صادقی: از مدیران زندان اوین - معاون آموزشگاه اوین تا سال ۶۵ و بعد از آن در مدیریت اوین نقش فعال داشت.
- ۳۷- رحیمی: پاسدار زن، مسئول کل بندهای زنان زندان اوین - وی نظردهنده در مورد اعدامهای اوین بود. رحیمی یک پاسدار زن ۴۵ ساله در بند زنان اوین بود. او به دلیل خوش خدمتیهایش از پاسداری در سالن ملاقات ارتقاء پیدا کرد و مسئول کل بندهای زنان شد. در کنار او پاسداران دیگری چون فاطمه جباری، نجفی، محمدی، نظری، علیان و زینتی بودند که در برخورد تند و کینه پی کردن مثل رحیمی بودند.
- ۳۸- مجید فرلنگ: بازجوی شکنجه گر زندان اوین بند خواهران
- ۳۹- اکبری: پاسدار زن، مسئول آسایشگاه بند انفرادی بند زنان - وی نظردهنده در مورد اعدامهای اوین بود
- ۴۰- حاج کربلایی: مسئول ملاقات زندان اوین - وی یکی از نزدیکان لاجوردی بود. وی از تجار بازار و از شرکای کارگاه اوین است. در آن جا در ازای مزد بسیار ناچیزی به زندانیان کار بسیاری از آنان می کشیدند و از این طریق پولهای هنگفتی به جیب می زدند. وی فشارهای زیادی بر خانواده های زندانیان سیاسی و حتی عادی می آورد.
- ۴۱- حاج ناصر: مسئول بندها و انتقال زندانیان.
- ۴۲- حسینی: دادیار و از شکنجه گران اوین.
- ۴۳- حداد: دادیار زندان و از شکنجه گران و عوامل سرکوب در اوین.
- ۴۴- حاج شیرینی: از مسئولان کارگاه اوین.
- ۴۵- ناصر آقایی: از مسئولان کارگاه اوین.
- ۴۶- حاج مراد: از مسئولان کارگاه اوین.
- ۴۷- عباس تیموری: از مسئولان کارگاه اوین.
- ۴۸- عباس شیرازی: از گروه ضربت دادرسی انقلاب - از عوامل اصلی اجراکننده اعدامها
- ۴۹- عباس فتوت: از پاسداران قدیمی اوین که بعدها افسر نگهبان شد. وی نقش فعالی

در قتل عام زندانیان در سال ۶۷ داشت.

- ۵۰- عباس خزایی: از پاسداران اوین. وی از جمله پاسداران شقاوت پیشه در سرکوب و شکنجه زندانیان بود و در جریان قتل عامها نقش فعالی را داشت.
- ۵۱- رمضانی: از پاسداران قدیمی اوین در قسمت آموزشگاه. وی نقش فعالی در سرکوب زندانیان داشت و در قتل عام زندانیان در سال ۶۷ نیز فعال بود.
- ۵۲- مجیدسرلک: از پاسداران قدیمی اوین، مدتی در میدان تیر زندان به زدن تیر خلاص و حمل جنازه اشتغال داشت. وی معتاد به مواد مخدر است.
- ۵۳- شریفی منش: از پاسداران فعال اوین و عامل اجرایی اعدامها.
- ۵۴- زرین گل: از پاسداران فعال اوین و عامل اجرایی اعدامها از بند ۲۰۹ زندان اوین که متعلق به وزارت اطلاعات بود.
- ۵۵- محمد الله بخشی: از پاسداران فعال اوین و عامل اجرایی اعدامها.
- ۵۶- محمود: از پاسداران فعال اوین و عامل اجرایی اعدامها.
- ۵۷- حمزه لاوندی: از پاسداران فعال اوین و عامل اجرایی اعدامها.
- ۵۸- جهانگیر اسماعیلی: از پاسداران اوین و از عوامل فعال در جریان قتل عام.
- ۵۹- محمد الهی: از پاسداران اوین که در بسیاری از اعدامهای قتل عام حضور داشت.
- ۶۰- پاسدار هاشم ایلخانی: از پاسداران با سابقه اوین است.
- ۶۱- پاسدار موسوی: از پاسداران قدیمی و از عوامل سرکوب زندانیان در اوین در قسمت آسایشگاه.
- ۶۲- صابری: یکی از پاسداران زن اوین و کسی که زندانیان را شلاق می زد.
- ۶۳- حاج رضایی: از پاسداران فعال اوین.
- ۶۴- حاج امجد: از پاسداران فعال اوین.
- ۶۵- علی رضوانی (جیحونی): از بند ۲۰۹ زندان اوین - از عوامل اصلی اجراکننده اعدامها
- ۶۶- عباس خضرائی: پاسدار در آموزشگاه اوین و عوامل اجرایی قتل عام
- ۶۷- عطاء فروغی: مسئول بهداری زندان اوین - اجساد زندانیان قتل عام شده را معاینه و شهادت آنها را تأیید می کرد
- ۶۸- دکتر میرزایی: مسئول دفتر لاجوردی - اجساد زندانیان قتل عام شده را معاینه و شهادت آنها را تأیید می کرد
- ۶۹- سید عباس ابطحی: راننده نیروی حاکم شرع اوین و از عوامل اصلی شکنجه و اعدام

و تجاوز. وی معروف به سید، سابقاً پاسدار محافظ لاجوردی بود. او خواهرش را صیغه لاجوردی کرده بود تا هرچه بیشتر به وی نزدیک بشود.

### اسامی برخی پاسداران و شکنجه گران و دست اندر کاران قتل عام در گوهردشت

- ۷۰- عرب: دادیار ناظر زندان گوهردشت
- ۷۱- داوود لشکری: مسؤل انتظامی و امنیتی گوهردشت - وی مدتی نیز سرپرست زندان بود. از شکنجه گران اصلی گوهردشت که در جریان قتل عامها نقش فعال و مهمی را داشت.
- ۷۲- حمید عباسی: وی از پاسداران سالن ۶ اوین بود که نقش اساسی در سرکوب زندانیان داشت. به همین خاطر ارتقا یافته و دادیار اوین شد. وی یکی از عناصر فعال در قتل عامها در گوهردشت بود. از سال ۶۸ نیز دوباره دادیار اوین شده است.
- ۷۳- مجید تبریزی: معروف به مجید لره پاسدار گوهردشت بود در اثر خوش خدمتیهایش در سرکوب و شکنجه زندانیان به مدیریت داخلی زندان ارتقاء یافت و در سال ۶۶ به آسایشگاه اوین انتقال یافت.
- ۷۴- خاکی: مسؤل ملاقات گوهردشت، مسؤل بسیار فعال صحنه اعدام در جریان قتل عامها.
- ۷۵- بیات: مسؤل بهداری گوهردشت - از عناصر فعال در قتل عامها بود. در اعدام مجاهد شهید ناصر منصوری که دچار قطع نخاع شده بود، نقش فعال داشت و او را به همراه چند پاسدار از بهداری با برانکارد به محل اعدام بردند.
- ۷۶- مرتضی رؤیایی (فرج): از پاسداران قدیمی گوهردشت که به سمت افسر نگهبانی ارتقاء یافت از عناصر اصلی در قتل عام زندانیان در گوهردشت بود.
- ۷۷- علی جاسم: پاسدار گوهردشت از عوامل اصلی در قتل عامها در گوهردشت. او به سمت افسر نگهبانی ارتقاء یافت.
- ۷۸- عادل: مسؤل فروشگاه در زندان گوهردشت. مسؤل بردن زندانیان به محل اعدام در جریان قتل عامها بود.
- ۷۹- مصیب سرلک: از پاسداران فعال در جریان قتل عام زندانیان گوهردشت
- ۸۰- حاج خانی: از پاسداران گوهردشت و از عوامل فعال در جریان قتل عام.
- ۸۱- غلامی: از پاسداران گوهردشت و از عوامل فعال در جریان قتل عام.

- ۸۲- جواد: معروف به شش انگشتی، از شکنجه گران قدیمی زندان گوهر دشت که در زمان قتل عامها کارهای حقوقی قبل از اعدام را انجام می داد.
- ۸۳- عباس کولی وند: از پاسداران قدیمی اوین و گوهر دشت، در زمان قتل عامها نقش فعالی داشت.
- ۸۴- شیرازی: از پاسداران فعال گوهر دشت و عامل اجرایی حکم اعدامها
- ۸۵- داوود: از پاسداران فعال گوهر دشت.
- ۸۶- رضا: از پاسداران فعال گوهر دشت.
- ۸۷- محمد: معروف به «گیر محمد» از پاسداران فعال در گوهر دشت.
- ۸۸- ابوالفضل: از پاسداران فعال گوهر دشت.

### مختصری درباره مقامهای رژیم آخوندی

علاوه بر مزدورانی که مستقیماً در قتل عام سال ۶۷ دست داشتند، گزارشهای زیادی از زندانیان در دست است که مقامهای رژیم در سالهای قبل و بعد آن نیز شخصا در شکنجه زندانیان دست داشته اند. گزارشهای متعدد حاکی از شرکت مستقیم هادی غفاری نماینده اسبق مجلس ارتجاع در شکنجه و به خصوص تجاوز به زنان زندانی می باشد. زندانیان متعددی در بیان مشاهدات خود به هادی خامنه ای (برادر خامنه ای و نماینده مجلس و صاحب روزنامه جهان اسلام) و مجید قدوسی فرزند دادستان اسبق کل انقلاب رژیم اشاره می کنند. در میان گزارشهای اسامی بسیاری از مقامهای رژیم، حتی اعضای کابینه خاتمی مشاهده می شود. به تعدادی از آنان اشاره می کنیم:

- آخوند اسماعیل شوشتری، وزیر دادگستری رفسنجانی و خاتمی
- مهاجرانی، معاون پارلمانی رفسنجانی، وزیر ارشاد و سخنگوی دولت خاتمی
- شمخانی، قائم مقام سپاه و وزیر دفاع دولت خاتمی
- احمد توکلی، وزیر سابق کار
- ابوالقاسم سرحدی زاده، وزیر سابق کار
- جواد منصوری، معاون سابق وزارت خارجه
- حسین شهاب الدین، معاون سابق وزارت نفت
- فخرالدین حجازی، نماینده سابق مجلس
- پاسدار سیف اللهی، فرمانده سابق نیروی انتظامی
- آخوند قرائتی، رئیس سازمان مبارزه با بیسوادی

- آخوند ابوالحسن شیرازی ، امام جمعه مشهد
- یکتا ، نماینده وقت خمینی در صومعه سرا
- صفری ، فرمانده وقت سپاه در منطقه جنوب
- آخوند واعظ طبسی ، نماینده خمینی و خامنه ای در مشهد
- رحمانی ، استاندار وقت باختران
- شادنوش ، استاندار وقت چهارمحال بختیاری
- شیخ عطار ، استاندار سابق آذربایجان غربی
- بهزادی ، رئیس آموزش و پرورش وقت استان گیلان
- حسین شریعتمداری : سرپرست روزنامه کیهان و نماینده خامنه ای در این مؤسسه .
- از مسئولان زندان قزلحصار در سال ۶۴
- محمد داوودآبادی با نام مستعار محمد مهرآئین : نایب رئیس کمیته ملی المپیک ، رئیس فدراسیون ورزشهای رزمی ، رئیس فدراسیون جودو و رئیس فدراسیون جابازان و معلولین ، مسئول لجستیک وزارت سپاه . او مسئول شعبه ۷ اوین و از شکنجه گران اصلی آن جا بود . لاجوردی چندین بار گفته بود که وی ستون دادستانی می باشد .
- فاضل : عضو هیات علمی دانشگاه ملی (بهشتی) . سربازجوی شعبه ۷ اوین مسئول شکنجه افراد تیمهای عملیاتی ، بازجوی منیره رجوی و همسرش .
- هم چنان که ملاحظه می کنید در میان این عده از امام جمعه گرفته تا وزیر و وکیل و استاندار و رئیس آموزش و پرورش و نایب رئیس کمیته المپیک و عضو هیات به اصطلاح علمی دانشگاه دیده می شود . یعنی در سیستم خمینی شرط اول قدم اثبات وفاداری به او ، شلیک بر مغز و قلب مجاهدین است . و صد البته که این تعداد فقط نمونه هایی از این دستگاه جهنمی شقاوت و سفاکی است .



[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



نگاهی به

وضعیت زندانها

پیش از قتل عام

www.KetabFarsi.com



## نگاهی به وضعیت زندانها پیش از قتل عام

برای درک همه جانبه تر از فاجعه قتل عام سال ۶۷ لازم است مروری داشته باشیم بر وضعیت زندانها در آن ایام.

بنا بر گزارشهای متعدد زندانیان، از ماهها قبل مقاومت اسیران مجاهد در برابر زندانبانان اوج بی سابقه‌ی گرفته بود. درخیمان نیز با درماندگی، از یک سو سرکوب زندانیان را شدت بخشیده بودند و از سوی دیگر در تدارک توطئه برای یک سره کردن کار زندانیان بودند. در این بخش دو گزارش خلاصه شده، از مجموعه گزارشها، که مربوط به اوین و گوهردشت می باشند، را تهیه کرده ایم که به تنهایی گویا می باشند. برای جلوگیری از تکرار، قسمتهایی از این گزارشها حذف و بازنویسی شده اند.

نویسنده گزارش اول مدت ۱۲ سال در زندان خمینی به سربرده و اکنون به عنوان یک مجاهد رزمنده در ارتش آزادیبخش به انجام وظایف انقلابی خود مشغول است. او در گزارش خود نوشته است: «از روز اول اسفند ۶۶ تفکیک زندانیان در زندان گوهردشت آغاز شد. قبل از آن زندانیان را براساس مواضعشان جدا کرده بودند. این بار نفرات هر سلول را با هم بیرون می آوردند و به ردیف روی زمین می نشانند. بعد آنها را تک تک به داخل یک اتاق برده و سؤال می کردند: «نام و ... اتهام». اگر فرد می گفت: «هوادر مجاهدین». ۵ نفر پاسداری که در آن جا آماده ایستاده بودند روی سرش می ریختند و او را به شدت کتک می زدند. بعد می پرسیدند: «نظرت راجع به سازمان چیست؟». و دست آخر این که: «آیا سازمان را محکوم می کنی یا نه؟» این روند کار آنها بود. بعد بچه ها را در پنج بند فرعی بخش کردند. تعداد زندانیان هر فرعی از ۳۰ تا ۴۵ نفر بود. در سال ۶۶ دیگر بچه ها منتظر نمی ماندند تا رژیم بیاید و بگوید که حتماً

باید بپرید یا توبه کنید. بلکه یک گام به جلو برداشته و رژیم را در حالت دفاع قرار داده بودند. بچه‌ها می‌دانستند بایستی تمام انرژی و توان خود را صرف رودررویی با خمینی کنند. در غیر این صورت انفعال و بریدگی حتمی بود. این روند از یکی دو سال پیش شروع شده بود. اما آن‌چه که بعداً به این حوادث شتاب مضاعف بخشید، تشکیل ارتش آزادیبخش ملی و خبرهای عملیات پی‌درپی نظامی بود که به زندان می‌رسید. اخبار جدید باعث می‌شد تا بچه‌ها با روحیه و توان هرچه بیشتر به مقاومت در برابر پاسداران پردازند. به خصوص خبر پیوستن زندانیان آزاد شده به ارتش آزادیبخش به این شعله مقاومت دامن می‌زد. زندانیان تازه دستگیر شده‌یی هم بودند که به عنوان پیک سازمان به داخل اعزام شده و دستگیر شده بودند. این افراد با انگیزه و روحیات تازه‌یی به داخل زندان می‌آمدند و فضای زندان را عوض کردند.

سال ۶۷ را ابتدا با ماجرای از اوین دنبال می‌کنم. در اوین (بند ۴) فشار زیادی بود. مسائل صنفی در بن بست کامل قرار داشت. نه پولی در کار بود و نه فروشگاه‌ها. جیره غذایی هم نصف شده بود. هواخوری هم نداشتیم. اعتراضها و اعتصابها مرتباً ادامه داشت. رژیم از شکنجه بچه‌ها نتیجه مثبتی به دست نیاورده بود. در بند ۱ بالا افرادی بودند که حکمشان بیش از ۱۰ سال و کمتر از ابد بود. یک شب حادثه‌یی روی می‌دهد که بر روی سیر حوادث مؤثر است. پاسداری برای گرفتن آمار روزانه با پوتین وارد اتاق بچه‌ها می‌شود. بچه‌ها اعتراض می‌کنند و حاضر به دادن آمار نمی‌شوند و از رفتن وی به داخل سلولها جلوگیری می‌کنند. پاسدار مزبور بعد از ساعتی با یک گله پاسدار برمی‌گردد. همه را به داخل حیاط می‌برند. از روی کارت شناسایی زندانی، اسمها را تک به تک می‌خوانند. از همان جا تا طبقه بالا با مشت و لگد و کابل و چماق زندانیان را می‌زنند و به داخل بند می‌اندازند. بچه‌ها هم متقابلاً در داخل بند جمع می‌شوند شروع به خواندن سرود قهرمانان در زنجیر می‌کنند. پاسداران به صورت وحشیانه تری بچه‌ها را زیر کتک و ضرب و شتم می‌گیرند. این ماجرا تا آخر شب و تا نفر آخر ادامه می‌یابد. فردا افسر نگهبان زندان به نام پاسدار عباس فتوت به بند آمده و به مسئول بند می‌گوید: «ما در داخل بند به شما کاری نداریم. در مقابل شما هم به حاکمیت ما بیرون از بندتان کاری نداشته باشید». به این ترتیب رژیم می‌پذیرد که در محدوده داخل بند بچه‌ها آزاد هستند. در اوایل خردادماه ۶۷ بند ۴ (ملی کشها) به زندان گوهردشت منتقل می‌شوند به جای آنها حدود ۱۵۰ نفر از بچه‌های گوهردشت را به اوین منتقل می‌کنند. این نقل و انتقالها، سیاست جدید رژیم برای جلوگیری از گسترش و رشد اعتراضها

بود. رژیم نمی خواست به هیچ وجه ماجرای بند ۱ در جاهای دیگر تکرار شود. محصول گسترش مقاومت جمعی در این دوره برای بچه ها تهاجم و جسارت بیشتر بود. از جمله این اقدامات جسورانه فرار از زندان بود. به عنوان نمونه به یکی از آنها اشاره می کنم. طبقه سوم اوین ساختمان موسوم به آسایشگاه است که تمام سلولهای آن انفرادی است. در یکی از سلولها ۳ نفر به اسامی اسداله (همایون) بنی هاشمی، نصرالله بخشایی و حسن فارسی، زندانی بودند. در اردیبهشت ۶۷ رئیس زندان اوین (آخوند مرتضوی) به سلول آنها می آید و می گوید حکم اعدام شما صادر شده و به زودی آن را اجرا می کنیم. آنها بعد از این حرف تصمیم به فرار از زندان می گیرند. اول خرداد ماه حسن از محمدرضا نعیم که به صورت موقت در انفرادی بوده، یک تیغ اره ۱۰ سانتی می گیرد. با آن میله های پنجره سلول را می بزند و پس از آماده کردن همه مقدمات و شناساییهای لازم، غروب روز ۱۴ خرداد ۶۷، از سلول فرار می کنند. هنگام پریدن از دیوار بیرونی پای نصرالله می شکنند. در نتیجه وقت زیادی را صرف چانه زدن با نصرالله می کنند که او را همراه خود ببرند. اما او قبول نمی کند. و همان جا می ماند. آن دو نفر تا اتوبان می روند. زندانبانان بلافاصله پس از مطلع شدن از فرار آنها اتوبان را می بندد و با تعداد زیادی پاسدار مشغول گشتن و جابجایی به و جیب منطقه می شوند. نصرالله در همان دقایق اول در دره کنار زندان دستگیر می شود. چند ساعت بعد حسن و اسدالله را هم دستگیر می کنند. این جریان تمام سیستم حفاظتی رژیم را به هم می ریزد. رژیم از این که ۳ زندانی از محکمترین و مطمئنترین زندان او توانسته اند فرار کنند بسیار خشمگین شده بود. این ۳ مجاهد را جزو اولین سری قتل عامهای مرداد ماه به شهادت رساندند.

در این حال و هوا بودیم که خبر عملیات آفتاب به زندان رسید. تصور این که سازمان تا اعماق خاک میهن پیشروی کرده و ضربه آن چنان بزرگی به رژیم زده بسیار انگیزاننده بود. یک شب ناصریان، رئیس زندان گوهردشت، به داخل بند آمد. بچه ها به وضعیت صنفی اعتراض کردند. علی آذرش گفت: «چرا ما را به بهداری نمی برید، چرا امکانات به ما نمی دهید؟». جر و بحث بالا گرفت. رئیس زندان گفت: «ما در حال جنگ هستیم». بعد اضافه کرد: «جنگ اصلی ما با سازمان شماست، شما نمی دانید مسعود و مریم چه شرارتی می کنند. نمی دانید در مرزها چه خبر است». علی گفت: «پس شما از ما دارید انتقام می گیرید». او گفت: «نه، هنوز انتقام نگرفته ایم. اگر بخواهیم انتقام بگیریم کاری می کنیم باور نکردنی». چند ماه بعد معنای انتقام آنها را بهتر فهمیدیم.